



کتاب الفقه



سلام



زندگی از منظر سوره «الرحمن»:

جلسه بیستم و سوم – ۳ آذر ماه ۱۳۹۹

آیة ۳۷:



فَإِذَا **انْشَقَّتِ** السَّمَاءُ

فَكَانَتْ **وَرْدَةً** كَالْدُهَانِ (٣٧)

پس وقتی آسمان شکفته شود
و چون چرم، گلگون گردد.

« شَقَّتْ » یعنی چه؟

« شَقَّتْ »:

شکافته یا شکفته یا جدا شدن (چیزی که هویت واحدی دارد).

« وَ انشَقَّ الْقَمَرُ »

وَ اِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَابْعَثُوا حَكَمًا مِنْ اَهْلِهِ وَ حَكَمًا مِنْ اَهْلِهَا ... (نساء/۳۵)

« شقیق: برادرِ دو قلو»، «مشتق: جداشده»

« مشَقَّت: دشواری و رنج»، «شاق: از بین برندهٔ اعتدال»

« وردہ » یعنی چہ؟

« **وردة** »: یعنی: « شکوفه. »

« **ورود** »: یعنی: « آستانهٔ دخول » (لحظةٔ قبل از ورود)،

« **وارد** »: یعنی: آنکه به محیطی فرود می‌آید.

« **ورد** »: یعنی: ورد؛ (مصدر)

« **ورید** »: « سیاهرگ » (رگهای روی دست و اندام)

« دهان » یعنی چه؟

« دُهَان »: « نرمی و لطافت »،

از مصادیق آن: (دُهْن: روغن، که « لطافت » دارد.) (ملاطفت در کلام)،
(مصالحه، مداهنه) (چَرَم نرم قرمز و لطیف)، (بارشِ باران سبک و لطیف).

« **مداهنه** »: یعنی: « سازشکاری »،

« فَلَا تُطْعِ الْمُكَذِّبِينَ وَذُؤَا لَوْ تُدْهِنُ فَيُدْهِنُونَ » (قلم/۹)

، «پس با دروغ‌زنان همراهی نکن زیرا می‌خواهند سازش کنی تا نفوذ کنند.»¹²

به نظر می‌رسد برای «فهم» آیه:

«فَإِذَا **انْشَقَّتِ السَّمَاءُ** فَكَانَتْ **وَرْدَةً** كَالدِّهَانِ»

ابتدا باید بفهمیم منظور از «**السَّمَاءُ**» چیست؟

که قرار است مثل «گلی سرخ و لطیف و معطر»،

در «زمان خاصی»، شکافته و «**شکفته**» شود.

شاید این « شُكُفْتَن سَمَاء » جلوه‌ای از این آیه باشد:

أَوَلَمْ يَرِ الَّذِينَ كَفَرُوا: أَنَّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ

كَانَتَا رَتْقًا ، فَفَتَقْنَاهُمَا

وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ أَفَلَا يُؤْمِنُونَ (انبیاء/۳۰)

یا آنها اهل کفر ندیدند که آسمانها و زمین هر دو به هم پیوسته بودند و ما آن

دو را از هم باز کردیم و هر چیزی را از آب حیات بخشیدیم؟ پس چرا ایمان نمی‌آورند؟

شاید منظور از این « شُكُفْتَن سَمَاء »،

« تبدیلِ » زمین (و آسمانها) (بدون تغییر ماهیتشان) به زمین (و آسمانهای) دیگر است:

يَوْمَ تُبَدَّلُ الْأَرْضُ غَيْرَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاوَاتُ

وَبَرَزُوا لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ (إبراهیم/۴۸)

روزی که زمین به غیر این زمین و آسمانها (به غیر این آسمانها) تبدیل می‌شوند

و (مردم و تمام خلایق) در برابر خدای یگانه قهار ظاهر شوند.

و شاید این « شُكُفْتَن سَمَاء »،

به « این آیه » اشاره دارد که می‌فرماید:

وَالسَّمَاءَ بَنَيْنَاهَا بِأَيْدٍ وَإِنَّا لَمُوسِعُونَ

(ذاریات/۴۷)

و ما آسمان را با قدرتمان برافراشتیم و قطعاً ما « وسعت‌دهنده » (آن) هستیم.

و شاید منظور از این « شکفتن سَمَاء »،

« قبل » از در هم « پیچیده » شدن مجدد « آسمان » است:

يَوْمَ نَطْوِي السَّمَاءَ كَطَيِّ السَّجِلِ لِلْكِتَابِ،

کَمَا بَدَأْنَا أَوَّلَ خَلْقٍ نُعِيدُهُ وَعَدَّا عَلَيْنا إِنَّا كُنَّا فاعِلِينَ (أنبياء/۱۰۴)

روزی که آسمان را مثل پیچیدنِ طومارِ نامه، (دوباره) می پیچیم، همانطور که بارِ اول آفرینش را آغاز کردیم دوباره آنرا باز می گردانیم وعده‌ای است بر عهده ما که ما انجام‌دهنده آنیم.

دربارهٔ «**السَّمَاءُ**» گفته‌اند:

مانندِ «پیار»، «لایه لایه» است،

که «هر لایه»، سطحی از «حیات و آگاهی» دارد

پس احتمالاً این «شکفته شدنِ آسمان»،

ظهورِ «**اوجِ دانایی**» را برای بشر نوید می‌دهد.

آیة ۳۸:



فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۳۸)

* پس شما (جن و انس)

کدام یک از آلاء خدایتان را دروغ می‌شمارید؟*

« خصوصیاتِ مهم » این

« مکذِّبین » چیست؟

۱- **كَلَّا بَلْ تُحِبُّونَ الْعَاجِلَةَ** (۲۰)

۲- **وَتَذَرُونَ الْآخِرَةَ** (۲۱)

وَوُجُوهُ يَوْمَئِذٍ بِاسِيرَةٍ (۲۴) تَظُنُّ أَنْ يُفْعَلَ بِهَا فَاقِرَةٌ (قیامت/۲۵)

چنین نیست که می‌پندارید بلکه شما دنیای زودگذر را می‌خواهید (و هوسرانی بی‌قید و شرط را) * و آخرت را رها

می‌کنید * در آنروز صورتهایی در هم کشیده است * زیرا می‌دانند با عذابی مواجه‌اند که پشت را می‌شکند.

« کارنامه » آنها چیست؟

(در روز قیامت،) اعلام می‌شود که این « مجرمینِ مکذَّب »:

هیچ « حقی » را « تصدیق و باور » نکردند و نمازگزار نشدند،

و هر نعمت و آثائی را « تکذیب » کردند و « رویگردان » شدند:

﴿ فَلَا صَدَقَۃَ ۖ وَ لَا صَلَۃَ ﴾ (۳۱)

﴿ وَ لَکِنْ کَذَّبَ ۖ وَ تَوَلَّی ﴾ (قیامه/۳۲)

آنها ثقلِ اعمالِ خود و ثقلِ گناهانِ پیروانشان را هم باید حمل کنند:

وَلْيَحْمِلُنَّ أَثْقَالَهُمْ وَاتَّقَانَا مَعَ أَثْقَالِهِمْ

وَلْيُسْأَلُنَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَمَّا كَانُوا يَفْتَرُونَ (عنکبوت/۱۳)

و سنگینیِ بارِ خود و سنگینیِ باری (دیگر) را حتماً با سنگینیِ بارِ خود می‌کشند

و روز قیامت از آن چه به دروغ شایع می‌کردند قطعاً پرسیده می‌شوند.

آیة ۳۹:



« **إِنْشِقَاقِ سَمَاءٍ** »

چه تأثیری برای بشر دارد؟

فَيَوْمَئِذٍ

لَا يُسْأَلُ عَنْ ذَنْبِهِ إِنْسٌ وَلَا جَانٌّ

(رحمن/۳۹)

در آن روز هیچ انس و جنی از گناهش پرسیده نمی شود.

چرا؟

شاید با آن « **شَقَّتِ السَّمَاءُ** »،

انسان، از مرتبه « **ظاهرینی** »

(آنطور که حضرت موسی علیه السلام، رفتار حضرت خضر را می‌دید).

به مرتبه « **حقیقت‌بینی** » می‌رسد.

(و می‌تواند مانند حضرت خضر صلوات الله علیه، پشت صحنه وقایع ظاهری را ببیند).

در³⁰ آنجا دیگر نیازی به « بازجوئی از مجرمین » نیست.

زیرا در آن زمان « **تابشِ نور** » آنقدر زیاد است که:

« جنّ » و « اِنس »،

به « سطحِ بالائی » از:

« **لطافت** و **دانایی** » می‌رسند

که دیگر هیچ « **ثقل** و **گناهی** » برایشان نمی‌ماند.

آیة ۴۰:



فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (٢٠)

* پس شما (جن و انس)

کدام یک از آلاء خدایتان را دروغ می شمارید؟ *

« سرانجامِ مَکذِبِینِ » چیست؟

- ١- الطور : ١١ **فَوَيْلٌ** يَوْمَئِذٍ **لِّلْمُكَذِّبِينَ**
- ٢- المرسلات : ١٥ **وَيْلٌ** يَوْمَئِذٍ **لِّلْمُكَذِّبِينَ**
- ٣- المرسلات : ١٩ **وَيْلٌ** يَوْمَئِذٍ **لِّلْمُكَذِّبِينَ**
- ٤- المرسلات : ٢٤ **وَيْلٌ** يَوْمَئِذٍ **لِّلْمُكَذِّبِينَ**
- ٥- المرسلات : ٢٨ **وَيْلٌ** يَوْمَئِذٍ **لِّلْمُكَذِّبِينَ**
- ٦- المرسلات : ٣٤ **وَيْلٌ** يَوْمَئِذٍ **لِّلْمُكَذِّبِينَ**
- ٧- المرسلات : ٣٧ **وَيْلٌ** يَوْمَئِذٍ **لِّلْمُكَذِّبِينَ**
- ٨- المرسلات : ٤٠ **وَيْلٌ** يَوْمَئِذٍ **لِّلْمُكَذِّبِينَ**
- ٩- المرسلات : ٤٥ **وَيْلٌ** يَوْمَئِذٍ **لِّلْمُكَذِّبِينَ**
- ١٠- المرسلات : ٤٧ **وَيْلٌ** يَوْمَئِذٍ **لِّلْمُكَذِّبِينَ**
- ١١- المرسلات : ٤٩ **وَيْلٌ** يَوْمَئِذٍ **لِّلْمُكَذِّبِينَ**
- ١٢- المطففين : ١٠ **وَيْلٌ** يَوْمَئِذٍ **لِّلْمُكَذِّبِينَ**

الَّذِينَ **يُكَذِّبُونَ** « **بِیَوْمِ الدِّینِ** » (مرسلات/ ١١)

پس به احتمالِ قریب به یقین،

تحققِ «**یومُ الدِّینِ**»،

یکی از «**آلاءِ**» بزرگ الهی است که

موردِ «**تکذیب**» جن و انس قرار دارد.



پرسش مهم:

پس « گنهکاران » بدونِ سؤال،
چگونه شناخته می‌شوند؟

آیة ۴۱:



يُعْرِفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِيْمَاهُمْ

فَيُؤْخَذُ بِالنَّوَاصِي وَالْأُقْدَامِ (٤١)

تبهکاران از چهره‌هایشان شناخته می‌شوند

و پیشانی و پایِ (آنها) گرفته می‌شود (و به جهنم پرتاب می‌شوند).

یعنی: آن جن و انسی که با « انشقاقِ سماء »

به « لطافت و دانائی » لازم نرسند

و اسیر « ثقل و غلظت » « زمین بمانند،

« علائهم مجرمیت » آنها نمایان می شود.

مانند: « **هشدارى** » که أمير المؤمنين صلوات الله عليه،
به « **ابن ملجم** » دادند و او را « **قاتل** » خود نامیدند.

مانند: « **هشدار** » امام « **حسين** » صلوات الله عليه،
به « **عمر بن سعد** » به اينکه به گندم رى نمى رسد.

مانند: حضرت « **خضر** » صلوات الله عليه، که:
« **آينده** آن پسر » را دیدند و او را با إذن الهی کُشتند.

پس افرادِ « **مَكْذِبٌ** مجرم » هر جا بروند

با « **جَهَالَت** و **حماقت** سنگین » خود،

و با « **جَهَنَّم** » خودشان می‌روند.

پس آنها، « **حِمَالَةُ الْحَطَبِ** » خویشتانند.

پس ما با رفتن به زیارت امام رضا صلوات الله علیه،
می‌خواهیم به « **لطافت** و **سبکی** » برسیم:

يَا مَوْلَايَ أَتَيْتُكَ زَائِرًا وَافِدًا عَائِذًا مِمَّا:

جَنَيْتُ عَلَى نَفْسِي وَ **اِحْتَطَبْتُ** عَلَى ظَهْرِي

آقا جان؛ من بعزم زیارت و مهمانی و پناهندگی نزد شما آمده‌ام از:
« جنایتی⁴⁴ » که بر خود روا داشتم و « بار هیزم سنگینی » که بر پشتم دارم ...

ابو بصیر از امام صادق صلوات الله علیه، نقل کرده است که:

این آیه (يُعْرِفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِيمَاهُمْ...)،

درباره آخرین امام و حجت الهی عجل الله تعالی فرجه الشریف، است،

که پس از ظهور،

گناهکاران و مجرمین را از قیافه‌هایشان شناسائی می‌کنند:

(تفسیر محمد بن ابراهیم النعمانی)(کتاب الاختصاص از شیخ مفید)

منظور از «نواصي و اُقدام» چیست؟

« نواصي و أقدام »

« مقدّرات » و « قابليتها و اقدامات » هر فردند

که یا « شکوفا » نشده‌اند

و یا « غیر مجاز » شکوفا شده‌اند.

پس به طور طبیعی این تکذیب کنندگان مجرم،
باید به همان جایی بروند که خودشان خواسته‌اند:

انْطَلِقُوا إِلَى مَا كُنْتُمْ بِهِ تُكَذِّبُونَ

به نزد «همان چیزی» بروید که آن را تکذیب می‌کردید.

(مرسلات/۲۹)

آیة ۴۲:



فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۴۲)

* پس شما (جن و انس)

کدام یک از آلاء خدایتان را دروغ می شمارید؟ *

چرا جن و انس،

« آلاءِ الهی » را « تکذیب » می کنند؟

برای اینکه اگر آنها را « تصدیق » کنند،

باید نسبت به آنها، « شاکر » باشند.

در حالی که یکی از اهداف اصلی شیطان، اینست که نگذارد
«اکثر مردم»، «قدرشناس و سپاسگزار» باشند:

قَالَ فِيمَا أُغْوَيْتَنِي، لَأَقْعُدَنَّ لَهُمْ صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ (۱۶) ثُمَّ لَأَتَيْنَّهُمْ:
۱- مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ، ۲- وَ مِنْ خَلْفِهِمْ، ۳- وَ عَنْ أَيْمَانِهِمْ، ۴- وَ عَنْ شَمَائِلِهِمْ

وَلَا تَجِدُ أَكْثَرَهُمْ شَاكِرِينَ (أعراف/۱۷)

گفت پس به خاطر آنکه مرا گنج کردی من هم حتما بر سر صراط مستقیم تو می‌نشینم * آنگاه از مقابلشان
و از پشت سرشان و از سمت راست و از سمت چپشان بر آنها می‌تازم تا بیشترشان را «شکرگزار» نیابی.

خدایا؛

« **اُنس و شناخت** » قرآن را روزی ما قرار ده

و ما را به اوج « **لطافت و معرفت** » برسان

و در « **عمل** » به تعالیم آن موفقمان کن

و در ظهور آخرین حجتت، سهیم فرما.

اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ عَلَى رَسُولِكَ مُحَمَّدٍ

